

تقریری نو بر ولایت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) با تکیه بر ترکیب واژه‌ی «کافه» در آیه ۲۸ سوره سبأ

مریم السادات موسوی^۱

زهرا بیات،^۲

مدینه امانی^۳

چکیده

ولایت امیرمؤمنان امام علی (علیه السلام) یکی از مهم‌ترین مسائل اعتقادی است که باور و تمسک به این امر سعادت دنیا و آخرت انسان را رقم می‌زند؛ بنابراین شناخت، اثبات و معرفی آن هم به تبع اهمیتی مضاعف می‌یابد. یکی از غنی‌ترین منابع معرفتی ولایت، قرآن کریم است که برای تمسک به آن باید با واژه‌ی آن آشنا شد و شناخت درستی از آن به دست آورد؛ در این میان ادبیات عرب، قواعد نحوی، لغت و تفسیر واژگان نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کنند. این مقاله با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و پردازش اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی به کشف و تبیین صحیح آیه، ترکیب و معنای واژه‌ی «کافه» در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی مبارکه‌ی سبأ پرداخته و از دستاوردهای این پژوهش آن است که معنانشناسی و ترکیب «کافه» در تبیین و تفسیر آیه نقش بسزایی داشته است، طوری که اقوال در این زمینه متفاوت بوده ولی قول حق آن است که «کافه» به معنای رحمت و اسعه‌ی جامع و حال از کاف ارسلناک باشد که ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) را به اثبات می‌رساند؛ چرا که آیه درصدد بیان هدف رسالت است.

واژگان کلیدی: آیه ۲۸ سبأ، ترکیب کافه، ولایت امیرالمؤمنین.

۱. در حال تدوین رساله سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی، مدرس جامعه الزهراء سلام الله علیها و حوزه علمیه خواران،

m.mousavi5888@yahoo.com، ۰۹۱۲۸۰۴۳۷۲۰

۲. طلبه سطح سه، تربیت مدرس حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) رشته ادبیات عربی. Zb.soha@gmail.com، ۰۹۱۹۲۴۱۷۵۹۳

Zb.soha@gmail.com

۳. دکتری علوم قرآن و حدیث، استادیار و عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی وابسته به جامعه المصطفی علیه السلام.

m.amani268@gmail.com- ۰۹۳۵۳۳۶۵۶۵۳

مقدمه

ولایت امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) بدیهی‌ترین و ضروری‌ترین مسئله تاریخ بشریت است که به خاطر شرارت و استکبار ابلیس و ابلیسیان از نظر بیشتر مردم جهان پنهان مانده است. هر چند عالمان بزرگی چون میر حامد حسین کتوری مؤلف کتاب شریف «عبارات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار» در ۲۳ جلد و علامه امینی مؤلف کتاب گران قدر «الغدیر» در ۱۱ جلد و نیز بسیاری از مجاهدان راه حق، عمر با برکت خود را صرف اثبات این امر مهم نموده‌اند و بسیار سفر کرده و کتاب‌های متعددی حاصل تلاش این علمای نستوه در اثبات و معرفی ولایت امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) است. امر ولایت آن‌چنان اهمیت دارد که خداوند متعال اولین کسی است که آن را کلام خویش مطرح کرده و ضرورت تعیین این مهم را تأکید می‌کند اما از آنجاکه قرآن به زبان عربی فصیح است، درک آیات الهی مرهون شناخت و فهم درست ادبیات عربی است. ترکیب به‌عنوان بخش مهمی از ادبیات عربی نقش بسزایی در تعیین معنای واژگان و جمله‌ها دارد. زیرا برخی واژه‌ها معانی مختلف دارند که ترکیب آن‌ها در جمله، قرینه‌ای برای تعیین معنای دقیق آن کلمه‌هاست. به‌طوری‌که با تعیین نقش کلمات در جمله می‌توان به مقصود اصلی آن مطلب دست یافت. یکی از آیاتی که با ترکیب دقیق آن می‌توان ولایت امیر مؤمنان امام علی (علیه‌السلام) را اثبات کرد و مدعی شد که این آیه ناظر به ولایت ایشان است، آیه ۲۸ سوره مبارکه سبأ است.

در این آیه؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبأ / ۲۸) لغت «کافه»، یکی از واژگان قرآن کریم است که در ترکیب و معنانشناسی آن میان نحویون و مفسران اختلاف نظر وجود دارد. این تحقیق برآن است که در بخش مطالعات قرآنی، ادبی و کلامی، به شیوه علمی و روشمند و با بهره‌گیری از آراء نحوی در حوزه‌ی ترکیب آیات، به تحلیل و تبیین درست آیه پردازد. از این‌رو بررسی اختلاف نظر علمای نحوی و مفسران در یک‌جا و دست‌یابی به ترکیب و معنای صحیح این واژه ضروری است؛ زیرا: ۱. تعیین هدف رسالت حضرت پیامبر (اکرم صلی‌الله علیه و آله) مرهون تشخیص معنای واژه‌ی (کافه) است؛ چرا که چیدمان آیه انحصار رسالت آن حضرت را در (کافه للناس) می‌داند؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبأ / ۲۸)، ۲. به نظر می‌رسد با تشخیص معنای درست (کافه للناس) بتوان به معنای

ادامه‌ی آیه یعنی (و لکن اکثر الناس لا یعلمون) پی‌برد که بیشتر مردم چه چیزی را نمی‌دانند و در تفاسیر هم چندان این مسئله مورد توجه واقع نشده است، اگرچه بعضی از مفسران اشاره‌ای به آن داشته‌اند.

و از آنجاکه این آیه هدف رسالت را بیان می‌کند، ترکیب و معناشناسی صحیح آن می‌تواند علاوه بر بحث ادبی و تفسیری، راه‌گشای دانش‌پژوهان کلام هم در این زمینه باشد پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. معنای و ترکیب واژه کافه در آیه ۲۸ سبأ چیست؟
 ۲. دیدگاه مفسران در تفسیر آیه مذکور چیست؟
 ۳. آیا می‌توان با توجه به «کافه للناس» هدف از بعثت را مشخص نمود؟
 ۴. چه ارتباطی بین این آیه و ولایت امیرالمؤمنین وجود دارد؟
- با توجه به سؤالات ذکر شده فرضیاتی مطرح است که شامل: اینکه معنای کافه بسیار بازدارنده و از لحاظ ترکیبی «کافه» مصدر و مفعول مطلق برای فعل محذوف است و جمله مستثنی، حالیه است. این آیه در حقیقت هدف رسالت که ولایت است را بیان کرده و ارتباط مستقیمی با ولایت امیرالمؤمنین دارد...
- با جست‌وجوهایی که در پایگاه‌های علمی صورت گرفت معلوم گردید هرچند در اثبات ولایت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) کتاب‌های بسیاری به رشته تحریر در آمده است؛ همچون «الغدیر»، «عبقات الانوار فی إمامة الأئمة الأطهار» و مقالاتی مانند: «بررسی ضرورت عقلی امامت از دیدگاه امام هادی (علیه السلام) از محمدتقی یوسفی و محمد کبیری ارانی و ... تألیف شده است و هم‌چنین در کتب تفسیری مثل المیزان، کشاف، التبیان، مجمع‌البیان و کتب کلامی از جمله: «احتجاجات و مرآة العقول» علامه مجلسی، «إحقاق الحق و إزهاق الباطل» قاضی نورالله مرعشی و «نقش ائمه در إحيای دین» علامه عسکری و نیز کتب ادبی مثل: «شرح ملای جامی»، «شرح الرضی علی الکافی»، «فوائد الحجّتیّه»، «شرح التسهیل و قواعد النحویه» ذیل این واژه و آیه‌ی مربوطه مطالبی آمده است اما با وجود تلاش‌های قابل توجه دانشمندان پژوهش خاصی در زمینه این آیه نگاشته نشده است.

۱. واکاوی واژه «کافه»

از آنجاکه تشریح واژه کافه از جهت لغت و ترکیب در ارائه‌ی راهکار برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقش کلیدی دارد؛ از این رو به تبیین معنای این واژه و ترکیب آن خواهیم پرداخت.

۱ - ۱. معنای لغوی «کافه»

برخی از لغویون «کافه» را از ماده «الکف» گرفته و در ادامه آورده‌اند «كَفُّ الْيَدِ» به معنای «بازدارنده دست» آمده است؛ (فراهیدی، ۲۸۳/ ۵:۱۴۰۹ و ازهری، ۳۳۵/ ۹:۱۴۲۱ و ابن منظور، ۳۰۵/۹:۱۴۱۴) و در التهذیب به معنای جمیع، احاطه (ازهری، ۳۳۵/ ۹:۱۴۲۱) در لسان العرب الكافَّةُ: الجماعةُ معنی شده است. (ابن منظور، ۳۰۵/۹:۱۴۱۴) راغب اصفهانی هم کافه را به معنای «بسیار بازدارنده و منع‌کننده از گناهان» را برای «کافه» ذکر کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۷۱۳۹). با توجه به معانی مذکور در منابع لغت، معنای لغوی کافه را می‌توان «بسیار بازدارنده» و یا «جماعه» دانست.

۲ - ۱. تاء در «کافه»

تاء به اصطلاح «گرد» در آخر کلمات گاهی دلالت بر مجرد تأنیث دارد و گاهی هم مفید معانی دیگر است که در کتاب «شرح الرضی علی الکافیه» چهارده معنا برای آن ذکر شده است (استرآبادی، ۳: ۱۳۸۴ / ۳۲۴-۳۳۱)، یکی از این معانی برای مبالغه در وصف است، مانند: «الرجل الراویة»؛ که به معنای «بسیار روایت کننده» است (حسن، ۴: ۱۳۶۷ / ۵۴۷ و حسینی، ۴: ۱۳۷۷ / ۱۷۲).

درباره تاء «کافه» دو دیدگاه مطرح شده است: الف) تاء برای مبالغه است. ب) برای تأنیث است.

راغب اصفهانی تاء کافه را برای مبالغه می‌داند، مثل راویة و نسابة. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۷۱۳۹)

در آیه مورد بحث - آیه ۲۸ سوره مبارکه سبأ - اگر «کافه» صفت موصوف محذوف (ارساله) یا حال از «الناس»؛ باشد، تاء برای بیان تأنیث است ولی اگر «کافه» حال از «کاف» یعنی مفعول

به «ارسلناک» باشد، تاء برای بیان مبالغه خواهد بود. (ناظرالجیش، بی تا: ۲۲۸۶/۵) زیرا مطابقت حال با ذوالحال واجب است، بنابراین معنای آیه (و ما ارسلناک الا کافه...) چنین است: «مانعاً للناس عن الشُّرک والکبائر مبالغه فیه»؛ «و ما تو را نفرستادیم مگر بسیار بازدارنده برای مردم از شرک و گناهان کبیره باشی». (جامی، بی تا: ۱/ ۳۴۹) بنابراین نوع تاء وابسته به ترکیب «کافه» است که در قسمت بعد به ذکر دیدگاه‌های مختلف در ترکیب آن خواهیم پرداخت.

۳- ۱. دیدگاه‌های مختلف در ترکیب «کافه»

استثناء در آیه «و ما أُرْسِلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا» (سبأ/ ۲۸)؛ از نوع مفرغ است و ما بعد «الا» با توجه به جایگاهی که در جمله دارد نقش می‌گیرد. از این رو برای نصب «کافه» دیدگاه‌های مختلف ذکر شده است:

الف: «کافه»: اسم فاعل از «کف» است (اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۵۴۹) و علت نصب آن یا صفت برای مفعول مطلق محذوف است و یا بنا بر حال بودن است با در نظر گرفتن فرض اول کافه نایب از مفعول مطلق بوده به خاطر این که صفت برای مصدر محذوف ارساله است، در تقدیر بوده: إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ؛ إِلَّا إِرسَالُهُ عَامَهُ لَهُمْ مَحِيطَةٌ بِهِمْ؛ زیرا زمانی که رسالت شامل همه‌ی مردم باشد، مانع از خروج احدی از این دایره خواهد شد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۸۳ و برکات، بی تا: ۳ / ۲۵۵) که طبق این معنا «کافه» وصف است.

و طبق فرض دوم «کافه» منصوب است بنا بر حال بودن از کاف (ارسلناک) و معنای آن می‌شود: ارسلناک جامعاً للناس؛ به دلیل این که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ سَوی عَرَبٍ وَ عَجْمٍ فَرَسْتَادُهُ شَدِيدٌ) است. (نحاس، ۱۴۲۱: ۲ / ۲۳۷) یا به معنای منع (بازداشتن) که می‌شود ارسلناک مانعاً للناس؛ که اگر حال باشد در ذوالحال آن اختلاف نظر است: یا حال از کاف ارسلناک است (شراب، بی تا: ۱ / ۳۴۲) یا حال از (الناس): الناس کافه؛ هر چند حال بر ذوالحال مجرور مقدم شده است. (صبان، بی تا: ۲ / ۲۷۳ و ناظر الجیش، بی تا: ۵ / ۲۲۸) و معنای «کافه» در این صورت جمعاً است. (شراب، بی تا: ۱ / ۳۴۲)

ب. منصوب بودن «کافه» را بنا بر مصدر بودن (مفعول مطلق) برای عامل محذوف می‌دانند؛ و دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کنند: «کافه» بر وزن الفاعله گاهی به معنای مصدر است مثل:

«العاقبه و العافیة؛ و ما أرسلناک إلا لتکف کافه»، در این صورت جمله حال مقدره است. (جامی، بی تا: ۳۴۹/۱) یا مصدر است بنا بر حذف مضاف؛ «إلا ذا کافه؛ ذا کف للناس»، یعنی پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) منع کننده مردم از کفر است. (اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۵۴۹) بنا بر این «کافه» مصدر و مفعول مطلق برای فعل محذوف است و جمله مستثنی، حالیه است.

۱ - ۳ - ۱. نقد و بررسی اقوال مطرح در ترکیب «کافه»

همان طور که بیان شد برای نصب کافه چند وجه مطرح گردید که علمای نحوی برای ردّ یا اثبات هر کدام دلایلی آورده اند که هریک بررسی و نقد می شود تا ترکیبی که صحیح تر است مشخص گردد.

در قول اول مطرح بود که کافه صفت یا نایب از صفت باشد. ولی این نظر پذیرفته نیست چون عرب کافه را فقط به عنوان حال استفاده کرده و نه غیر آن. (ناظر الجیش، بی تا: ۶ / ۵ - ۲۲۸۵) و نیز کافه مختص عاقل است و با غیر عاقل (ارساله کافه) استعمال آن درست نیست. (صبان، بی تا: ۲ / ۲۷۳)

در نظر بعدی «کافه» را حال از «ناس» گرفته، تقدیر آن چنین می شود: «و ما أرسلناک الا للناس کافه». این قول هم رد می شود به این جهت که حال بر ذوالحالی که مجرور است مقدم نمی شود. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۷۵) مذهب جمهور نحویون بر این است که جایز نیست، حال بر صاحب حالی که مجرور به حرف جر اصلی است مقدم شود پس در مورد «مررت بهند جالساً» صحیح نیست گفته شود: «مررت جالساً بهند» (سیوطی، بی تا: ۱۸۶/۲ و حسینی خراسانی، بی تا: ۱۵۰) برای این که حال در اصل صفت است و صفت از توابع است و بهترین شکل برای توابع این است که بعد از متبوع واقع شوند و مجرور هم از آن جهت که تابع است بر جار (متبوع خود) مقدم نمی شود (جامی، بی تا: ۳۴۹ / ۱) و هم چنین تعلق عامل به حال بعد از تعلق عامل به ذو الحال و در مرتبه دوم است و حق عامل آن است که هرگاه به ذوالحال به واسطه‌ی حرفی متعدی می شود، به حال نیز به همان حرف متعدی گردد و تعدی دو چیز برای یک عامل واحد به واسطه‌ی یک حرف واحد امکان ندارد و باید برای تعدی هر شیء برای عاملی، یک حرف آورده شود، اما به خاطر ترس از التباس و اشتباه حال با بدل، از آوردن آن حرف بر سر حال امتناع می شود و عوض از اشتراک و آوردن آن حرف واسطه برای تعدی،

تأخیر حال از ذوالحال را واجب دانسته‌اند. (سیوطی، بی تا: ۱۸۶/۲ و خراسانی، ۱۳۹۳: ۲ / ۲۴۲)

اما این اشکال جواب داده شده است به این که برخی از علمای نحو مثلاً بوعلی فارسی، ابن کیسان و ابن برهان آن را جایز دانسته‌اند، به خاطر این که آن در مثل قول خداوند متعال شنیده شده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ»، از آن جهت که «کافه» حال از «للناس» مجرور واقع شده است. (ابن هشام، بی تا: ۲ / ۲۸۳ و ناظر الجیش، بی تا: ۵ / ۲۲۸۵ و حسینی خراسانی، بی تا: ۱۵۰)

و نیز در مورد دلیل جواز تقدیم حال بر ذوالحال مجرور به حرف جر اصلی گفته‌اند: حرف جر چون فعل را متعدی می‌کند مانند همزه و تضعیف بوده، پس گویا بعضی از حروف فعل و جزء تمامیت آن است و هرگاه گفته شود (ذَهَبَتْ رَاكِبَهُ بَهْنِدٍ) به تقدیم حال، گویا گفته شده (اَذْهَبَتْ رَاكِبَهُ هِنْدًا) پس مجرور در حقیقت مجرور نیست و تقدیم صحیح است. (جامی، بی تا: ۱ / ۳۴۸ و رضی الدین استرآبادی، ۱۳۸۴: ۲ / ۳۰ و خراسانی، ۱۳۹۳: ۲ / ۲۴۲)

هم‌چنین دلیل دیگر کسانی که تقدیم حال را در این قسم منع کرده‌اند این است که آیه را تأویل برده و گفته‌اند (کافه) به معنای جمیع نیست تا حال از ناس باشد و مقدم بر ذوالحال گردد بلکه اسم فاعل از (کف) به معنای منع بوده و تاء آن برای مبالغه است نه تأنیث، مانند تاء علامه و حال از (کاف ارسلناک) و مؤخر از ذوالحال است و ذوالحال منصوب است نه مجرور و ضمیر است نه اسم ظاهر؛ پس در آیه تقدیم حال بر ذوالحال مجرور نیست. (خراسانی، ۱۳۹۳: ۲ / ۲۴۲ و شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۷۵)

در قول بعدی کافه اسم فاعل از «کف» به معنای منع بوده و تاء آن برای مبالغه است نه تأنیث، مانند تاء علامه و حال از «کاف ارسلناک» و مؤخر از ذوالحال است. (خراسانی، ۱۳۹۳: ۲ / ۲۴۲ و شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۳۷۵)

ابوحیان برای رد نظر زجاج و کسانی که «کافه» را به معنای جامع و حال از کاف ارسلناک گرفته‌اند، «و ما ارسلناک إلا جامعاً للناس بالإنذار و الإبلاغ» از باب معنای لغوی به آن ایراد می‌گیرد و می‌گوید کف به معنای جمع نیست تا این تعبیر درست باشد، بلکه به معنای منع است و گفته می‌شود: «مانعاً لهم من الکفر». (اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۵۵۰) البته این اشکال مانع از

قبول «کافه» به عنوان حال از کاف ارسلناک نمی‌شود چرا که برخی این واژه را مانعاً معنا کرده و حال از کاف ارسلناک گرفته‌اند. (شراب، بی‌تا: ۱/ ۳۴۲) با توجه به بیانات مفسران که بر اساس دیدگاه‌های دانشمندان علم نحو است این نتیجه حاصل شد که علمای نحو هر کدام با توجه دیدگاهی که داشتند به ترکیب این کلمه در آیه پرداخته‌اند که از این میان بیشترین آراء بر این سه مورد بود: اول این‌که «کافه» نایب از صفت است، دوم به معنای جمیع و حال از ناس است که بر ذوالحال خود مقدم شده و برای این نظر هم دلایلی ذکر کردند که برخی نحوین هر دو نظر را با براهینی رد کردند؛ و نظر سوم این بود که کافه از ریشه‌ی کف، اسم فاعل و حال از کاف (مفعول به ارسلناک) است که تاء آن برای مبالغه و به معنای جامع و بسیار بازدارنده مردم از گناه است که این ترکیب بر نظرات قبلی (نایب از صفت و حال برای الناس) به دلیل مطابقت با قواعد نحوی و عدم محذوریت تقدیم حال بر ذوالحال مجرور برتری داشته و دیگر نیازی به توجیه ندارد.

۲. دیدگاه مفسران در تفسیر آیه ۲۸ سوره سبأ

مفسران در تفسیر آیه ۲۸ سوره سبأ دیدگاه‌های مختلفی را در معنای «کافه للناس» ذکر کرده‌اند که در ادامه به تفصیل بیان می‌شود:

۱ - ۲. صاحب مجمع‌البیان به نقل از ابومسلم اصفهانی می‌نویسد: «كَافَةٌ لِلنَّاسِ» یعنی: «مانعاً لَهُمْ عَمَّا هُمْ عَلَيْهِ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْمَعَاصِي بِالْأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ الْوَعِيدِ وَ الْإِنذَارِ»؛ «ای پیامبر تو را بازدارنده و منع‌کننده مردم از کفر و معاصی به گناهانی که بر آن‌ها هست فرستادیم تا با امرونی و بشارت و انذار آن‌ها را از گناه باز داری هر چند که بیشتر مردم از توجه به اعجاز پیامبری تو رو برگردانند و ندانند سرنوشت آینده‌شان از نعمت‌ها و عذاب چگونه است». شیخ طبرسی در قسمت اعراب این آیه می‌گوید: «کافه» قید حالت از کاف «ارسلناک» و به معنای «بازدارنده» است؛ (ای ما ارسلناک الا تکفهم و تردعهم) جز این نیست که تو را فرستادیم درحالی‌که مردم را از زشتی‌ها باز داری. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/ ۶۱۱ و طبرسی، ۱۳۷۷: ۳/ ۳۵۲)

اگر «کافه» حال از «کاف ارسلناک» باشد معنای آیه این‌گونه می‌شود: «و ما ارسلناک الا جامعاً للناس عَمَّا يَضُرُّهُمْ». اگر اشکال شود به این‌که همان‌طور که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عنوان نهی‌کننده و مانع فرستاده شده، امر کننده هم است، پس چگونه حصر صحیح است؟

پاسخ این است که این حصر اضافی است، مانند زمانی که «کافه» حال از «الناس» باشد چرا که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای ثقلین مبعوث شده نه فقط مردم؛ و اگر دوباره اشکال شود به این که حال قید عامل است پس لازم است که «کف» در وقت ارسال باشد درحالی که این چنین نیست تا از آن چشم پوشی شود؟ پاسخ داده می شود: حال مقدره است و در تقدیر لازم نیست که حال از صاحب حال باشد. (جامی، بی تا: ۱/ ۳۴۹)

۲ - ۲. برخی مفسرین هر دو نظر یعنی: در معنی ۱. مانع از گناه و ۲. تمام مردم را نقل کرده اند. (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵/ ۴۹۷ و بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴/ ۲۴۷ و عکبری، بی تا: ۳۱۶ و اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۵۴۹)

۳ - ۲. مرحوم طوسی در این زمینه می فرماید: «و قيل معناه الا مانعا لهم و كافا لهم من الشرك»؛ «پیامبر بازدارنده آن ها از شرک است.» (طوسی، بی تا: ۸/ ۳۹۶)

۴ - ۲. فخر رازی هم معتقد است: «فیه وجهان: کافه ای عامه لجمیع الناس تمنعهم من الخروج عن الانقیاد لها و الثانی ارسلناک کافه تکف الناس من الکفر و الهاء للمانع علی هذا الوجه»؛ در معنای «کافه» دو حالت متصور است: یکی کافه به معنی همه مردم که آن ها را از خروج از طاعت خدا منع کند. دوم این که از کفر بازشان دارد.» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۵/ ۲۰۶)

۵ - ۲. ابن کثیر نظر دوم یعنی تمام مردم را به نقل از راویان ذکر کرده است. (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹: ۶/ ۴۵۸) و سبحانی در تأیید این نظر این کثیر می گوید: چیزی که از آیه به ذهن متبادر می شود این است که «کافه» حال از للناس باشد که بر ذوالحال خود مقدم شده است و تقدیر آیه این گونه است: «و ما ارسلناک الا للناس کافه، بشیراً و نذیراً» و کافه غالباً در قرآن به معنای «عامه» استفاده شده است؛ «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً...» (توبه/ ۳۶) و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...» (بقره/ ۲۰۸) دلالت بر جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد، همان طور که آیه دال بر بعثت حضرت بر همه ی مردم تا روز قیامت است. (سبحانی، ۱۴۱۲: ۳/ ۴۹۶)

۶ - ۲. ولی قرطبی با راغب و ابومسلم و زمخشری و شیخ طبرسی هم نظر است و می نویسد: پیامبر بازدارنده مردم از کفر است. (قرطبی، ۱۴: ۱۳۶۴/ ۳۰۰) هم چنین راغب می گوید: سیاق لفظی آیه هم دلالت بر همین معنی دارد زیرا معنی دوم در آیات دیگر به صورت «قُلْ يَا أَيُّهَا

النَّاسُ إِيَّيْ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً (اعراف: ۱۵۸)»، ... «لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۱) آمده است پس طبق این نظر، در آیه ۲۸ سبأ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بازدارنده و منع کننده همه مردم از گناهان فرستاده شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴/ ۳۷).

۷ - ۲. اما نیشابوری نظری متفاوت داشته و در ایجاز البیان می گوید: كَافَّةً به معنای رحمه شاملة جامعه است. (نیشابوری، ۱۴۱۵: ۶۸۱/۲)

۸ - ۲؛ و نظر علامه طباطبایی بر این است که منطوق آیه هر چند درباره مسئله نبوت است و در حقیقت از آیات قبل که راجع به توحید بود منتقل به مسئله نبوت شده است و امام دلول آن حجتی دیگر بر مسئله توحید است، چون رسالت از لوازم ربوبیت است، که شأن آن تدبیر امور مردم در طریق سعادتشان و مسیرشان به سوی غایات وجودشان است. پس عمومیت رسالت خاتم المرسلین، که رسول اوست، نه رسول غیر از او، خود دلیل است بر اینکه ربوبیت نیز منحصر در اوست، چون اگر غیر از او ربی دیگر بود، او هم به مقتضای ربوبیتش رسولی می فرستاد و دیگر رسالت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عمومی و برای همه نمی بود و مردم با بودن او محتاج به رسول دیگر می شدند که از ناحیه آن رب دیگر بیاید و این همان معنایی است که امام علی (علیه السلام) فرموده: «اگر برای پروردگار تو شریکی می بود، رسولان آن شریک نیز برای رساندن پیام هایش نزد شما می آمدند.»

مؤید این معنا جمله ای است که در ذیل آیه آمده و فرموده: «وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، چون اگر معنای آیه تنها همان بود که راغب در معنای کلمه «کافه» گفته است چیزی نبود که اکثر مردم آن را نفهمند، ولی دلالت انحصار رسالت در رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر انحصار ربوبیت در خدای «عز اسمه»، چیزی است که اکثر مردم آن را نمی فهمند. بنابراین مفاد آیه این می شود: مشرکین نمی توانند شریکی برای خدا نشان دهند، درحالی که ما تو را نفرستادیم مگر بازدارنده جمیع مردم، درحالی که بشیر و نذیر باشی و اگر برای مشرکین خدایانی دیگر بود، ما نمی توانستیم تو را به سوی همه مردم بفرستیم، باینکه عده ای بسیار از ایشان بندگان خدایی دیگرند و خدا دانایتر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۳۷۶-۳۷۷ و موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۱۶/ ۵۵۶).

از بین معانی که ارائه شد به نظر می‌رسد «کافه» به معنای «رحمت واسعه» به صواب نزدیک‌تر است. با کنار هم گذاشتن آیات مربوط به حصر رسالت، این معنا برای «کافه» مقبولیت بیشتری پیدا می‌کند. با این توضیح که در آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷)، انحصار رسالت در «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» است؛ و در آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبأ/۲۸) انحصار در «كَافَّةً» است؛ با این بیان همان‌طور که بعضی مفسران اشاره کرده‌اند، «كَافَّةً» به معنای رحمة شامله جامعه است. (نیشابوری، ۱۴۱۵: ۶۸۱/۲) پس می‌توان گفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با بازداشتن مردم از گناهان به وسیله تبشیر و انذار، همان رحمت گسترده و جامع الهی است.

۳. «كَافَّةً لِّلنَّاسِ»؛ هدف رسالت

طبق تعریفی که گذشت کافه یعنی رحمتی جامع و شامل که بازدارنده مردم از گناه و کفر است. با توجه به این تعریف، بررسی این مطلب ضرورت دارد که منظور از این رحمت واسعه‌ی بازدارنده برای جهانیان چیست که انحصار رسالت در آن تعریف شده است؟ پاسخ این سؤال را در سوره مائده می‌توان یافت که خداوند متعال، به حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ابلاغ موضوعی را امر می‌کند که باز هم رسالت را در این مسئله منحصر می‌نماید که اگر ابلاغ نکند رسالتش را ابلاغ نکرده است؛ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مائده/۶۷) طبق روایاتی که متواتر از شیعه و اهل سنت نقل شده است این امر در مورد ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) است. (هلالی، ۱۴۰۵: ۲/ ۷۵۰ و قمی، ۱۴۰۴: ۱۷۱/۱ و صفار، ۱۴۰۴: ۵۱۶/۱ و کوفی، ۱۳۰/۱۴۱۰ و عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۳۳۱-۳۳۲ و طبری، ۱/۱۴۱۵: ۶۷۰/۱ و ۶۰۶ و کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۸۹ و ابن‌حیون، ۱۳۸۵: ۱/۱۵ و ابن‌بابویه، ۱۳۷۶/۴۹۵ و مفید، ۱۴۱۳: ۱/۱۷۵ و حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۲۳۹)

با در کنار هم قرار دادن این آیات معلوم می‌شود «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» بودن حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با ابلاغ ولایت و تعیین امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) به عنوان جانشین خویش حاصل می‌شود و با استمرار حکومت و ولایت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) و اولاد گرامی ایشان است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌تواند بسیار

بازدارنده‌ی مردم از گناهان باشد و مردم را به نتایج پیروی از امر ولایت بشارت داده و از عواقب شوم و تلخ عدم اطاعت و همراهی با امیر مؤمنان امام علی (علیه‌السلام) بترساند و رسالت خود را به صورت تمام و کمال به پایان برساند و این موضوعی است که اکثر مردم نمی‌دانند، همان‌طور که در ادامه آیه آمده است: «... وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبأ/۲۸).

اگرچه علامه طباطبایی از عمومیت رسالت در آیه ۲۸ سوره سبأ و با نگاهی به آیات قبل این سوره، توحید و ربوبیت پروردگار را اثبات نمود؛ البته همین نکته نیز می‌تواند تأییدی بر ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین باشد. چرا که با ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) است که رسالت جهانی پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) و ربوبیت پروردگار برجهانیان معنا و مفهوم می‌یابد و مردم با پذیرش این ولایت عظمی، پیام رسالت را دریافت کرده و به طریق سعادت رهنمون می‌شوند.

۴. رابطه‌ی «كَافَّةً لِلنَّاسِ» با ولایت امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام)

اگر دشمنان لجوج و حسود مانع از تشکیل حکومت امیر مؤمنان امام علی (علیه‌السلام) نمی‌شدند و حضرت که وصی بلافصل پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) است بر مسند حکومت می‌نشست و عدالت و رحمت را در جهان می‌گسترده و با ظلم و جور مبارزه می‌کرد، دیگر هفتاد و سه فرقه به وجود نمی‌آمد و مردم گمراه نمی‌شدند^۱ (هلالی، ۱۴۰۵: ۶۰۵/۲ و خزاز رازی، ۱۴۰۱/۱۵۵ و ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ۵۸۵/۲ و ابن‌بابویه، ۱۴۰۳/۳۲۳ و ابن‌شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۷۳-۷۲/۳ و طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۲۶۳) و کفر و جور عالم‌گیر نمی‌شد و حق و باطل به هم آمیخته نبود تا نتوان تشخیص داد چرا که حق بر همگان روشن می‌بود و این-گونه ولایت امیر مؤمنان امام علی (علیه‌السلام) بسیار بازدارنده‌ی مردم از گناه و کفر می‌شد. آن‌گاه به قرآن و تمام دستورات الهی عمل می‌شد، برکات خدا از زمین و آسمان بر بندگان

^۱ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «ثَلَاثٌ عَلَىَّ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً مِنْهَا فِرْقَةٌ نَاجِيَةٌ وَ الْبَاقُ وَهَالِكَةٌ وَ النَّاجِيَةُ الَّذِينَ يَتَمَسَّكُونَ بِوَلَايَتِكُمْ وَ يَقْتَسِمُونَ مِنْ عِلْمِكُمْ».

نازل می‌گشت^۱ و این رحمت و اسعه شامل حال همه‌ی عالمیان می‌گردید و هر کسی که طالب هدایت بود به رستگاری عظیم دست می‌یافت.

۵. جهالت مردم نسبت به رابطه‌ی ولایت با هدایت و رستگاری

خداوند حکیم بارها به مردم هشدار می‌دهد و برای این‌که رحمت و اسعه‌ی خود را به بندگان برساند خاتم انبیاء، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) را «رحمة للعالمین» معرفی می‌کند و از طرف دیگر تنها مزد رسالت ایشان را در سوره فرقان اتخاذ راه پروردگار اعلام می‌کند؛ «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رِبًّا سَبِيلاً» (فرقان/۵۷) و در سوره‌ی شوری اجر رسالت را در مودت خویشان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) منحصر می‌نماید؛ «ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ». (شوری/۲۳) روشن است که اتخاذ راه خدا در مودت اهل بیت گرامی پیامبر اکرم (صلوات الله عليهم اجمعین) خلاصه می‌شود و این دستورالعمل خدا در جهت ایجاد آمادگی برای دریافت رحمت خداوندی است و هر کسی که در این مسیر نباشد از دریافت الطاف الهی محروم می‌ماند. در سوره حمد نیز به این نکته پرداخته شده است^۲ که صراط مستقیم تنها راه کسانی هست که خداوند به ایشان نعمت داده و طبق تفاسیر و روایات، آنان اهل بیت پیامبر اکرم (صلوات الله عليهم اجمعین) هستند (حسکانی، ۱۴۱۱: ۸۶/۱ و طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۱/۱ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۵۰) که پیروی محض از آن‌ها مایه‌ی سعادت در دنیا و آخرت است؛ و این همان چیزی است اکثر مردم نمی‌دانند؛ «... وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبأ/۲۸) مؤید این گفتار تعداد اندک شیعیان جهان است که در زمان حضرت انگشت شمار بودند و در طول تاریخ هم کمترین آمار مربوط به این گروه است.

۱. «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (مائده/۶۶)

۲. اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (حمد/۶) صِرَاطَ الَّذِي نَأْتِيهِ نِعْمَتُكَ عَلَيْنَا غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (حمد/۷)...

نتیجه‌گیری

این تحقیق به منظور کشف ترکیب و معنای دقیق واژه (کافّه) در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی سبأ برای دست‌یابی به تبیین و تفسیر روشن و قابل‌قبولی از آیه‌ی مذکور انجام شد که در پی اثبات ادعای ولایت امیر المؤمنان امام علی (علیه‌السلام) با تکیه بر این آیه بود.

با استفاده از یافته‌های پژوهش مشخص شد که بین ترکیب، معناشناسی و تفسیر آیه ارتباط مستقیم وجود دارد و با تحلیل آیات و روایاتی که در مورد انحصار رسالت بود ثابت گردید که کافّه به معنای رحمت واسعه جامع و حال از کاف ارسلاک صحیح‌تر است و این آیه هدف از رسالت را، جانشینی و ولایت امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) می‌داند که بیشتر مردم این مسئله را نمی‌دانند و مؤید این گفتار تعداد اندک شیعیان در طول تاریخ است؛ و علامه طباطبایی نیز با بیان همین ترکیب یعنی کافّه حال برای کاف ارسلاک و به معنای بازدارنده و با توجه به آیات قبل در سوره سبأ، از عمومیت رسالت، توحید و ربوبیت پروردگار را اثبات نمود که البته همین نکته می‌تواند تأییدی بر ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین باشد چرا که با ولایت و جانشینی امیرالمؤمنین امام علی (علیه‌السلام) است که رسالت جهانی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ربوبیت پروردگار برجهانیان معنا و مفهوم می‌یابد؛ اما دو ترکیب دیگر برای این واژه یعنی صفت برای ارساله محذوف و حال برای للناس رد شد زیرا عرب، کافّه را فقط به عنوان حال استعمال کرده و نقش صفت را برای آن صحیح نمی‌داند و همین‌طور طبق نظر برخی از نحویون تقدیم حال بر ذوالحال مجرور درست نیست هر چند برخی دیگر توجیهاتی برای جواز تقدیم حال بر ذوالحال مجرور آورده و با این آیه عمومیت رسالت را اثبات می‌کنند.

منابع و مأخذ

القرآن الحکیم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی (للصدوق)**، تهران: کتابچی، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، قم: جامعه مدرسین، ج ۲، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **معانی الأخبار**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، **دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام**، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج ۱، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ ق.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، **مناقب آل ابي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)**، قم: علامه، ج ۳، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، **تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)**، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون، ج ۶، چاپ: اول، ۱۴۱۹ ق.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، ج ۹، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۸. ابن هشام، عبد الله بن یوسف، **أوضح المسالك إلى ألفية ابن مالك**، بیروت: المكتبة العصرية، ج ۲، چاپ: اول، بی تا.
۹. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۹، چاپ: اول، ۱۴۲۱ ه.ق.
۱۰. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، **البحر المحیط فی التفسیر**، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، ج ۸، بی جا، ۱۴۲۰ ق.
۱۱. برکات، ابراهیم ابراهیم، **النحو العربی**، قاهره، مصر: دار النشر للجامعات، ج ۳، چاپ: اول، بی تا.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج: ۴، چاپ: اول، ۱۴۱۸ ق.

۱۳. جامی، عبدالرحمن بن احمد، شرح ملاجمی علی متن الکافیة فی النحو، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۱، چاپ: اول، بی تا.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار العلم للملایین، ج ۴، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ه.ق.
۱۵. حسکانی عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۶. حسن، عباس، النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة و الحیاة اللغویة المتجددة، تهران: ناصرخسرو، ج ۴، چاپ: دوم، ۱۳۶۷ ه.ش.
۱۷. حسینی، سید علی، الروضة الندیة فی شرح النهجه المرضیه، قم: موسسه انتشارات دارالقلم، ج ۴، چاپ: دوم، ۱۳۷۷.
۱۸. حسینی خراسانی، قاسم، قواعد النحویة، قم: حوزه علمیه قم، چاپ: اول، بی تا.
۱۹. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دمشق: دار الفکر، ج ۹، چاپ: اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
۲۰. خراسانی، ابو معین حمیدالدین حجت هاشمی، فوائد الحجته - شرح کتاب سیوطی، بیجا، ج ۲، چاپ: سوم، ۱۳۹۳ ق.
۲۱. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی)، تهران: مرتضوی، ج ۴، چاپ: دوم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲۴. رضی الدین استرآبادی، محمد بن حسن، شرح الرضی علی الکافیة، تهران: موسسه الصادق للطباعة و النشر، ج ۲ و ۳، چاپ: اول، ۱۳۸۴ ه.ش.

۲۵. زمخشری، محمود، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، بیروت: دارالكتاب العربی، ج ۳، چاپ: سوم، ۱۴۰۷ ق.
۲۶. سبحانی، جعفر، **الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل**، ج ۳، قم: مركز العالمی للدراسات الاسلامیة، چاپ: سوم، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بكر، **همع الهوامع شرح جمع الجوامع فی النحو**، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی،
۲۸. شراب، محمد حسن، **شرح الشواهد الشعریة فی أمانت الكتب النحویة لأربعة آلاف شاهد شعری**، ج ۱، بیروت: مؤسسه الرسالہ، چاپ: اول، بی تا.
۲۹. شوکانی، محمد بن علی، **فتح القدير**، دمشق، بیروت: دار ابن کثیر، دار الكلم الطیب، ج ۴، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۳۰. صبان، محمد بن علی، **حاشیة الصبان علی شرح الأشمونی علی ألفیة ابن مالک و معه شرح الشواهد للعینی**، بیروت: لمکتبه العصریة، ج ۲، چاپ: اول، بی تا.
۳۱. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم**، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ علمیه قم، ج ۱۶، چاپ: پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۸، چاپ: سوم، ۱۳۷۲ ش.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)**، مشهد: نشر مرتضی، ج ۱، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، **تفسیر جوامع الجامع**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزہ علمیه قم، ج ۳، چاپ: اول، ۱۳۷۷ ش.
۳۶. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، **المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام**، قم: کوشان پور، چاپ: اول، ۱۴۱۵ ق.

۳۷. طوسی، محمد بن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی ج ۸، بی‌جا، بی‌تا.
۳۸. عکبری، عبدالله بن حسین، **التبیان فی اعراب القرآن**، عمان-ریاض: بیت الافکار الدولیه چاپ: اول، بی‌تا.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، تهران: المطبعة العلمیة، ج ۱، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ق.
۴۰. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۲۵، چاپ: سوم، ۱۴۲۰ ق.
۴۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت، ج ۵، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۴۲. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحیط**، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۳، چاپ: سوم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۴۳. قرطبی، محمدبناحمد، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ج ۱۴، چاپ: اول، ۱۳۶۴ ش.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم: دار الکتب، ج ۱، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی (ط - الإسلامية)**، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۱، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. کوفی، فرات بن ابراهیم، **تفسیر فرات الکوفی**، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
۴۷. مفید، محمد بن محمد، **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**، قم: کنگره شیخ مفید، ج ۱، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۴۸. مکارم شیرازی ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۱، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۴۹. موسوی همدانی سید محمد باقر، **ترجمه تفسیر المیزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۶، چاپ: پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۵۰. ناظرالجیش، محمد بن یوسف، **شرح التسهیل المسمی تمهیدالقواعد بشرح تسهیل الفوائد**، قاهره - مصر: دارالسلام، ج ۵، چاپ: اول، بی‌تا.

۵۱. نحاس ابوجعفر احمد بن محمد، اعراب القرآن (نحاس)، منشورات محمد علی بیضون، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۳، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۵۲. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۵، چاپ: اول، ۱۴۱۶ ق.
۵۳. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم: الهادی، ج ۲، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.